

## تحول، تجویزی دیگر برای اقتصاد بیمار

تنها با فراهم نمودن بسترهای لازم و با به فعلیت رساندن ظرفیت‌های کشور، می‌توان منتظر آثار مبارک طرح تحول دولت بود، نه با شرایط موجود.



عامل دیگر، راهی صعب و دشوار را نشان می‌دهد؛ آمارهایی که در مقایسه با کشورهای منطقه، تلاش‌های مضاعفی را می‌طلبد. به نظر نمی‌رسد طرح تحول اقتصادی دولت و بسیاری از طرح‌های دیگر، با برنامه‌ریزی‌های کنونی قادر باشد چنین هدفی را دست‌یافتنی نماید. مضاف بر این، علاوه بر مواردی که در طرح اقتصادی دولت، محل بحث و مذاقه کارشناسان است، مسایل مهمتری هم قابل طرح است.

به طور کلی می‌توان مهمترین مشکلات پایه‌ای اقتصاد کشور را در قالب عناوین زیر بیان کرد:

- ۱) آمیختگی مسایل اقتصادی با زهر سیاست که غالب تصمیمات اقتصادی دولت‌ها را مصلحت‌مدار کرده است
- ۲) بی‌توجهی به مسایل پایه‌ای و علمی اقتصاد و عدم تعریف یک الگوی کلان و بلندمدت اقتصادی برای کشور
- ۳) ضابطه‌مند نبودن نظام مدیریت اجرایی در کشور و بی‌توجهی به قوانین پایه‌ای توسعه، به دلیل مسایل سیاسی
- ۴) بستر بیمار و تب‌دار اقتصاد و ارتباط زنجیره‌ای مشکلات، اعم از تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری اندک، جوّ سیاسی متشنج داخلی و نگاه غیرمنعطف جهان به کشور
- ۵) ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی و واگرایی برخی دستگاه‌ها در برخی تصمیمات
- ۶) عدم مشارکت مردمی در پروژه‌های مختلف اقتصادی
- ۷) نظام اقتصادی دولت محور و جایگاه بی‌رنگ بخش خصوصی در تصمیمات کلان کشور.

این که ما تورم و بیکاری - دو مصیبت بزرگ اقتصادی - را مهمترین مشکلات کشور بدانیم و بر حل صرف این مسایل تمرکز کنیم، ضروری است. ولی تمرکز بر عواملی که پیکر اقتصاد را ضعیف و ناتوان کرده و اسباب این مشکلات شده از اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشد.

در همین راستا، راهکارهای زیر می‌توانند در بهبود اوضاع کشور مفید و در حصول نتیجه‌های مطلوب امیدوارکننده باشند:

- ۱) گرفتن سیاست در خدمت اقتصاد و در مسیر اصلاح امور اقتصادی نه بالعکس
- ۲) تعریف خط مشی و استراتژی اقتصادی؛ تعریف علمی، منطقی، کاربردی و در عین حال به دور از اغراق و احساسات کاذب
- ۳) بازتعریف چارت مدیریتی در کشور، تعریف مجدد روابط دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌ها و اصلاح شیوه‌های نخ‌نماشده تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور
- ۴) حرکت به سمت ارتقای نقش و جایگاه بخش خصوصی، در جریان حرکت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از سرمایه‌های این گروه، اعم از اندیشه‌های نو، سرمایه‌های در اختیار این بخش و تأثیراتی که می‌تواند در مسیر آزادی اقتصادی بر شاخص‌های خاکستری رنگ کشور در محاسبات جهانی بگذارد
- ۵) بازتعریف اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعاتی در کشور، ارتقای نقش مشارکت مردمی در تصمیمات اقتصادی و حرکت به سمت نظام نظرسنجی مردمی در تصمیمات کلان کشور

۶) ترویج شایسته‌سالاری و پرهیز از تبدیل نمودن عرصه اقتصاد کشور به

با نگاهی به برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم (۵۶ - ۲۷) و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول تا چهارم (۸۸ - ۶۸) می‌توان پی برد که در تمام شصت سال گذشته، به اقتضای شرایط و با توجه به آرمان‌ها و بسترهای موجود، دولتمردان در راستای توسعه اقتصاد و ارتقای فاکتورهای اقتصادی، گام‌های کوتاه و بلندی را برداشته‌اند. حال پس از این همه سال و پس از هزاران نشست، کمیسیون، ماده، تبصره، لایحه، کاغذبازی و کاغذنویسی و بحث و جدل، چرا فکر می‌کنیم که طرح تحول اقتصادی در دولت نهم که شاید آبی برآتش دل سوزان جامعه بوده و آتشی باشد که لااقل بتواند دیگ برنامه‌های پخته و ناپخته دولت‌ها را، چه سابق و چه لاحق، گرم کند تا آشی شود بر سفره این مردم شصت سال منتظر، چیز جدیدی است؟ یا بنشینیم و بگوییم آیا بهره‌وری ما بالا است؟ آیا نظام بانکی، سیستم مالیات‌ستانی، گمرک، تولید، سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد و هزاران معیار رشد و سلامت اقتصاد ما بیمار است یا خیر؟ این سؤال مصداق جمله "چو دانی و پرسسی سؤال خطاست" می‌باشد که از کودکی آموخته بودیم. افزایش تولید و تکثیر صادرات، از موضوعات برنامه عمرانی اول سال ۲۷ بوده که در سال ۸۴ که برنامه چهارم توسعه نوشته می‌شد، هنوز محقق نشده و در آغاز برنامه پنجم نیز همچنان رقمی غیرقابل قبول را نشان می‌دهد.

چرا در این شصت سال نشد که برنامه‌ها و تصمیمات و تدبیرهای این مملکت، سامان بگیرد؟ امروز روز جراحی اقتصاد فرا رسیده است. همه دلسوزان نظام، اقتصاددانان و اقتصادخوانان، برای تصمیم رییس جمهور که به حق جزو دلسوزان نظام، انقلاب و مردم بوده و با خیرخواهی در مسیر ارتقای کشور قدم برمی‌دارد، احترام قایلند و مطمئناً اگر حرف و حدیث و اختلاف نظری هست، بر سر اصل تحول در اقتصاد نیست، بلکه آنچه محل اختلاف است، روش نیل به هدف می‌باشد.

نباید گمان کنیم که مشکلات "اظهر من الشمس" اقتصاد کشور ما، متولد چند سال اخیر بوده‌اند. خیر، این مشکلات میراث یکصد سال تحولات سیاسی و گذار کشور از مراحل مختلف است که متأسفانه در برهه‌های مختلفی از زمان، با اتخاذ سیاست‌های ناهماهنگ و به عبارتی، با تجویز داروهای غلط، بدتر و بدتر شده است. خط مشی‌های نامتوازن و خودکامه پیش از انقلاب، که وقوع هشت سال جنگ نابرابر، تحریم‌ها و مسایل ریز و درشت دیگر، در کنار سیاست‌زدگی اقتصاددانان و تصمیمات سیاست‌گذاران "اقتصاد نابلد" در کشور ما، همگی کلاف سرد گمی از اقتصاد ساخت که گره‌های کور آن، حتی با دندان هم به سختی قابل گشایش است. اما امید برای بهبود اوضاع همچنان باقی است.

نکته حایز اهمیت این است که اقتصاد که وابسته به همه مسایل داخلی و بین‌المللی است، از امور اجتماعی، فرهنگی و نظامی که در مورد آنها می‌توان متمرکزتر تصمیم گرفت، متفاوت است. به علاوه، ساده‌اندیشی و کج‌خیالی است که ما فکر کنیم، می‌توانیم بدون استفاده از تجربیات سایر کشورها و یا بدون توجه به عوامل متفرقه جهانی، به اصلاح اقتصاد بپردازیم. طرح تحول اقتصادی دولت، با همه آثار نظری مبارکی که دارد، به این موضوع مهم و اساسی توجه جدی نداشته است.

### و اما طرح تحول!

هدف والا در اقتصاد ایران، طبق تعریفی که از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله برمی‌آید، رتبه اول در منطقه می‌باشد. اما توجه به آمار مایوس‌کننده شاخص‌های اقتصاد در کشور، نظیر تورم دو رقمی، نرخ بیکاری دو رقمی، صادرات غیرنفتی ناامید کننده، واردات فزاینده، نقدینگی بی‌در و پیکر، سرمایه‌گذاری‌های ضعیف - علیرغم نیاز همه بخش‌های اقتصاد به سرمایه - سیستم بانکی متأثر از دستورات دولت و صدها

این مرز و بوم است. اما بیابیم با فراهم آوردن زمینه‌های این تحول و بسترسازی برای حرکت صحیح و دستیابی به آثار مثبت این طرح، اقتصادی سالم، رفاهی پایدار، مردمی امیدوار و ایرانی سبز را برای آیندگان به ارمغان آوریم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره، در رابطه با ارزیابی طرح تحول اقتصادی دولت را در صفحات ۳۰-۲۳ و همچنین در مقاله «جراحی حین بحران؟» در صفحه ۶۶ می‌خوانیم.

کلاس‌های آموزشی برای جوانان بی‌تجربه و مدیران بدون دانش (۷) تعامل فعال با جهان و اتخاذ تصمیمات عقلایی که راه را برای تأثیرگذاری ایران در تصمیمات جهانی گشوده و ایران را به کشوری مؤثر در تصمیمات منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل نماید.

۸) توسعه متوازن اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی  
۹) بازنگری قوانین کار، تجارت و مالکیت  
با این همه، اصل طرح تحول در اقتصاد کشور، حجت تمام عیار همه دلسوزان

## بررسی روند نرخ ارز در کشور

# پول ملی، قوت یا ضعف



سیاست‌های نرخ ارز ایران، از گذشته تاکنون و وابستگی اقتصاد ایران به نفت، نرخ ارز را از استقلال و ثبات دور نگه داشته است.

بانک‌های آمریکایی و کلیه بانک‌های مستقر در آمریکا و تأمین کالاهای اساسی اتخاذ گردید. نرخ رسمی ارز تا سال ۷۳ از روند صعودی برخوردار بوده است، به طوری که از حدود ۷۰/۵ ریال در سال ۵۸ به ۱۷۵۰ ریال در سال ۷۳ افزایش یافته، اما پس از آن تا سال ۸۰ در سطح سال ۷۳ (معادل ۱۷۵۰ ریال) ثابت مانده بود. البته در همین دوره نرخ غیررسمی (بازار) ارز با تلاطمات و صعود قابل توجهی روبه‌رو بود (رجوع کنید به جدول همراه). از سال ۸۱ به بعد، با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، این نرخ به شدت افزایش یافت و به سطح نرخ ارز بازار آزاد رسید. سیاست ارزی کشور، طی دوران جنگ (۶۷ - ۵۹) مبتنی بر صرفه‌جویی ارزی، سهمیه‌بندی، تخصیص ارز به تأمین نیازهای ضروری جامعه و تشویق صادرات غیرنفتی بود.

## سیاست‌های ارزی پس از جنگ

به منظور نظارت و صرفه‌جویی در مصرف درآمدهای ارزی و نحوه تخصیص آن به مصارف ضروری، کمیسیون تخصیص ارز در سال ۶۰ بنا به تصمیم شورای اقتصاد تشکیل شد. با پایان یافتن جنگ علاوه بر اعمال سیاست‌های مذکور، سیاست‌های جدیدی اجرا گردید. از جمله مهمترین این سیاست‌ها، می‌توان به آزادی واردات برخی از اقلام مورد نیاز جامعه، به صورت واردات بدون انتقال ارز اشاره نمود. با شروع برنامه اول توسعه (۷۲-۶۸) طرح ارز ترجیحی - رقابتی، جهت واردات مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز کلیه واحدهای تولیدی و اعلام آزادی ورود اقلام مهم دیگری از کالاها بدون انتقال ارز و هدایت واردات این گونه کالاها از طریق سیستم بانکی و همچنین، افزایش تعداد کالاهای مشمول فهرست واردات در مقابل صادرات، اعمال گردید. در سال پایانی برنامه

اول (۷۲)، با اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، حذف بودجه ارزی، اعلام نظام ارز شناور هدایت شده و اعلام نرخ شناور به عنوان نرخ رسمی ارز، تحولات عمده‌ای در بخش ارزی کشور به وقوع پیوست که باعث شد به رغم ثبات نسبی نرخ ارز در بازار آزاد در نیمه اول سال ۷۲ و نوسانات شدید آن در نیمه دوم سال، مقررات ارزی جدیدی به منظور ثبات بازار آزاد ارز اتخاذ گردد. کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت، به دلیل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و تشویق واردات در مقابل صادرات در نیمه اول سال ۷۲ و همچنین، عدم توانایی در پرداخت تعهدات سررسید شده،

بررسی نرخ ارز در ایران نشان می‌دهد که تغییرات نرخ اسمی ارز، قبل از انقلاب تا سال ۵۱ از روند باثباتی برخوردار بوده و اختلاف زیادی بین نرخ رسمی و بازار آزاد وجود نداشته است. به طوری که نرخ ارز بازار آزاد، به طور متوسط ده درصد بیشتر از نرخ اسمی آن بوده است. اما تا سال ۵۴ نرخ ارز از روند کاهشی برخوردار بوده است. با توجه به بهبود اوضاع ارزی و ثبات اقتصادی کشور ناشی از افزایش قیمت نفت، بانک مرکزی اقداماتی در زمینه ایجاد سیستم ارزی جدید به عمل آورد و بازار ارز جدیدی را با استفاده از منابع ارزی ایجاد نمود و خرید و فروش ارز را برای انجام معاملات جاری و نقل و انتقالات سرمایه‌ای آزاد اعلام کرد که در نتیجه، ورود و خروج سرمایه، با حفظ نظارت کلی بانک مرکزی میسر گردید. با شروع فعالیت بازار ارزی جدید، با عنوان بازار ارز غیر بازرگانی (شامل ارز حاصل از صادرات کالا و خدمات، وام و سرمایه، سپرده‌های اشخاص و مؤسسات و نیز سپرده ارزی اشخاص حقیقی و حقوقی)، یک سیستم دو بازاری ارزی به وجود آمد و بازار رسمی سابق، به فعالیت خود در زمینه فروش ارز برای واردات کالا و خدمات و نقل و انتقالات سرمایه‌ای ادامه داد. در ضمن، بازار آزاد از دست صرافان خارج و در اختیار سیستم بانکی قرار گرفت. طی دوره ۵۵ تا ۵۷، نرخ ارز رسمی از روندی تقریباً ثابت برخوردار بود، اما نرخ ارز بازار آزاد، دارای روندی صعودی بوده است. البته هر دو نرخ مذکور، نسبت به سال ۵۴ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

در سال ۵۷، با تغییر شرایط سیاسی کشور، شکل‌گیری اعتصابات، وقوع انقلاب و در نتیجه، فرار سرمایه و اعمال محدودیت‌های ارزی، نرخ ارز بازار آزاد در مقایسه با نرخ رسمی ارز، به میزان زیادی افزایش یافت. بانک مرکزی

با اعمال محدودیت ارزی از آبان ۵۷ برای جلوگیری از خروج بی‌رویه ارز، توقف سیاست تسهیل واردات کالاهای مصرفی و توجه بیشتر به واردات کالاهای اساسی، سیستم دو نرخ و چند نرخ در تخصیص ارز و لغو معافیت صادرات غیرنفتی از پیمان سپاری ارزی در سال ۵۸، اقدام به تعیین قیمت صادراتی توسط مرکز توسعه صادرات به منظور حصول اطمینان از بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و جلوگیری از خروج غیرقانونی ارز نمود که برای مقابله با جو فرار سرمایه، تحریم اقتصادی، شروع جنگ، بلوکه شدن ذخایر ارزی کشور در شعبات خارجی، استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از آمارهای بانک مرکزی.

## تغییرات نرخ ارزهای عمده در بازار بر حسب ریال

سال	دلار	یورو	پوند	یکصدین
۱۳۷۸	۳۳/۶	-	۷/۳	۱۱/۰
۱۳۷۹	-۵/۱	-	-۱۱/۹	۲/۳
۱۳۸۰	-۲/۲	-	-۵/۶	-۱۳/۵
۱۳۸۱	۰/۱	-	۸/۰	۲/۴
۱۳۸۲	۳/۸	۲۳/۰	۱۳/۶	۱۱/۹
۱۳۸۳	۵/۱	۱۳/۱	۱۵/۴	۱۱/۴
۱۳۸۴	۳/۴	۰/۶	۰/۶	-۱/۰
۱۳۸۵	۲/۰	۷/۰	۷/۶	-۱/۷
۱۳۸۶	۱/۴	۱۱/۶	۷/۸	۳/۱

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از آمارهای بانک مرکزی.